

کاربست منطقه‌گرایی و نقش آن در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس

اصغر افتخاری^۱رضا انصاری بارده^۲پیمان حسنی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

چکیده

باگذشت تاریخ، دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین واحدهای سیاسی به این نتیجه رسیدند که بسیاری از مسائل نه در سطح جهانی بلکه در سطح منطقه‌ای پدید می‌آیند، و به‌تبع نیازمند اتخاذ استراتژی‌های منطقه‌ای در راستای حل مشکلات و توفیق سیاست‌های خود در عرصه بین‌الملل هستند. مسائل موجود در منطقه غرب آسیا از یک سو و زیرمجموعه منطقه‌ای خلیج فارس از سوی دیگر، حضور بسترهای همگرایی و واگرایی متنوعی است که باید به درستی مورد تحلیل قرارگرفته شود. زیرا تأمین امنیت ملی علاوه بر عوامل درون مرزی، متأثر از عوامل خارجی نیز قرار دارد، لذا جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد ثبات سرزمینی، نیازمند منطقه‌ای با ثبات است و از این جهت لازم است تا راهکارهای دست‌یابی به منطقه‌ای باثبات را مورد بررسی قرار دهیم. زیرا عدم توجه به این موضوع می‌تواند زمینه‌ها و استعدادها همگرایی موجود را تبدیل به عواملی واگرا کرده و هزینه تأمین امنیت را برای کشور به شدت بالا ببرد. منطقه‌گرایی در رشد شاخص‌های امنیت نقشی موثر دارد و استفاده از این ظرفیت می‌تواند موجب ارتقاء جایگاه کشور در حوزه‌های دیگر از جمله فرهنگ، اقتصاد و سایر زمینه‌های سیاسی گردد. در این پژوهش در تلاش هستیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که: جمهوری اسلامی ایران چگونه می‌تواند از ظرفیت منطقه‌گرایی برای تأمین امنیت ملی خود استفاده کند؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بر اساس نظریه «امنیت منطقه‌ای باری بوزان»، بر آن است تا نقش منطقه‌گرایی در تأمین امنیت جمهوری اسلامی را مورد مطالعه قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: امنیت ملی، منطقه‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی، باری بوزان.

۱. استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. Eftekhari@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
ansarirez313@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.
peyman.hassani73@gmail.com



علی‌رغم خاتمه یافتن جنگ سرد، منطقه غرب آسیا و به طور خاص منطقه خلیج فارس، در برخورد میان قدرت های جهانی همچنان به منزله یک منطقه کلیدی و راهبردی تلقی می‌شود. علاوه بر آن، وجود میادین عظیم نفتی و گازی، آن را به قلب تپنده جهان در تعبیر تحلیلگران و استراتژیست‌ها مبدل ساخته است. ثبات و امنیت و یا بی‌ثباتی و عدم امنیت، در این منطقه بر دیگر نقاط جهان تاثیر خواهد داشت. بنابراین با توجه به تغییرات ایجاد شده در منطقه و تحولات در حوزه توزیع قدرت و ثروت در آن، ضرورت شناخت فرصت‌ها و تهدیدات موجود در این منطقه را بیش از پیش نمایان تر ساخته است (عرب، ۱۳۹۳: ۲).

«چگونگی نظم جهانی» پرسشی است که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همواره اذهان اندیشمندان علوم سیاسی را به خود مشغول کرده است. نظریاتی همچون همکاری و مشارکت جهانی، منازعه جهانی و سلطه جهانی از جمله نظریاتی هستند که هر یک به فراخور، مدتی فضای جهانی را تحت الشعاع قرار دادند (افتخاری: ۱۳۸۲)؛ اما در این بین گروه دیگری از اندیشمندان نیز بوده‌اند که این سطح از پیوند میان مسائل را لازم نمی‌دانستند و در نتیجه سعی داشتند تا مسائل بازیگران در زمینی کوچک‌تر و مرتبط‌تر؛ یعنی در سطح منطقه‌ای حل و فصل شوند. دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در مناطق اغلب زمینه‌ساز ناامنی بوده و یا حداکثر توانسته امنیت یکی از طرف‌ها را به قیمت ناامنی طرف مقابل و یا ناامنی آن منطقه تأمین کند.

برخی الگوی امنیت منطقه‌ای را در چالش با «لویاتانیزم جهانی» می‌دانند، به عقیده آنان رابطه معکوسی میان این دو الگو وجود دارد و تقویت الگوی امنیت منطقه‌ای می‌تواند باعث تضعیف الگوی لویاتانیزم جهانی گردد (افتخاری، ۱۳۸۲). پس اهمیت موضوع امنیت منطقه‌ای در نقش سلبی آن نسبت به لویاتانیزم جهانی و نقش ایجابی آن در تأمین امنیت مناطق است. هرچند در این میان نارضایتی قدرت‌های جهانی از منطقه‌ای شدن امنیت نیز به خوبی مشهود است، زیرا منطقه‌ای شدن امنیت نفوذ و حضور آنها در مناطق امنیتی را کم‌رنگ می‌کند.

کشورها در هر نقطه‌ای از جهان خود را در قالب مناطقی امنیتی تعریف می‌کنند. یک منطقه امنیتی می‌تواند متأثر از موقعیت جغرافیایی و یا تقسیم‌بندی‌های سیاسی باشد. در این میان اولین هدف راهبردی دولت‌ها تأمین امنیت ملی‌شان بوده‌است. تأمین امنیت در منطقه‌ای همچون غرب آسیا که سرعت و کیفیت تحولات، بالا و پیچیده است نیازمند همراهی با دیگر شرکای منطقه‌ای و حتی ایجاد انگیزه همراهی در دیگر کشورهاست. زیرا در صورتی که کشوری بخواهد به تنهایی هزینه‌های تأمین امنیت





فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ای برای جهان اسلام

منطقه را بر عهده بگیرد، نیازمند ظرفیت بالای سیاسی، دفاعی و اقتصادی است که مستلزم هزینه‌های هنگفتی خواهد بود (Cantori and Spiegel, 1973: 24).

جمهوری اسلامی ایران در منطقه امنیتی غرب آسیا و زیر مجموعه امنیتی خلیج فارس قرار گرفته است. این منطقه در چهار دهه گذشته همواره در سطح بالایی از تنش میان بازیگران دولتی و غیردولتی قرار داشته است. این کشور در این مدت چالش‌های امنیتی بسیاری را از سر گذرانده است. این چالش‌ها به تناسب علت و محل وقوع در مرزهای غربی، جنوبی و شرقی ایجاد شده و هر کدام از ناحیه‌ای برای کشور تهدید امنیتی ایجاد کرده است. کشورهایی همچون جمهوری اسلامی ایران که جایگاهی مستقل در سیاست جهانی برای خود تعریف کرده‌اند، دارای ارزش‌های مستقل بوده و می‌خواهند استقلال خود را در فضای هژمونیک غربی حفظ کنند باید به این نکته توجه داشته باشند که به صورت یک «واحد تک افتاده» قادر به تأمین امنیت ملی خود نخواهند بود. زیرا هژمون در تلاش خواهد بود تا از طرق مختلف و با ایجاد فشارهای سیاسی و اقتصادی آنها را از مسیر اصلی خود منحرف و یا مجبور به عقب نشینی کند (افتخاری، ۱۳۸۲)؛ لذا جمهوری اسلامی برای اینکه بتواند در برابر فشارهای خارجی مقاومت کند لازم دارد تا با ایجاد شبکه‌ای امنیتی در منطقه علاوه بر تأمین امنیت ملی خود، اجازه ندهد ظرفیت همسایگان به سمت هژمون رفته و فرصت‌ها به ضد فرصت تبدیل شوند. این اقدام در عمل می‌تواند از مسیرهای گوناگونی پیگیری شود، رفتن به سمت پیمان‌های امنیتی منطقه‌ای، ایجاد اتحادها و ائتلاف‌های دوجانبه و چندجانبه، ایجاد زمینه‌های همکاری اقتصادی مشترک و... که هرچه این پیوندها مستحکم‌تر گردد، امکان تبدیل جمهوری اسلامی به تک بازیگر در عرصه منطقه کاهش پیدا خواهد کرد (Vsyrynen, 1985). این پژوهش به دنبال مشخص کردن نقش منطقه‌گرایی در تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی است. چارچوب نظری در این مقاله نظریه امنیت منطقه‌ای باری بوزان و الی ویور است. بوزان در نظریه خود به این موضوع اشاره می‌کند که امنیت باید از طریق ایجاد و تثبیت ساختارهای متناسب با آن تأمین شود. او بر روی مفاهیمی همچون سیستم و زیرسیستم تأکید می‌کند و معتقد است که باید به سمت ایجاد امنیت سیستماتیک رفت، نه امنیت برخاسته از عوامل زودگذر. حرکت به سمت سیستم ما را به الگوهای ثابتی می‌رساند که رعایت آن الگوها امنیت زایی را در پی خواهد داشت. الگوها باید متناسب با ظرفیت‌های منطقه‌ای و متناسب با واقعیات آن منطقه باشند. از نگاه بوزان منطقه‌گرایی ظرفیتی است که در صورت فعال شدن نه تنها در جهت تأمین امنیت ملی و امنیت منطقه‌ای کارآمد است، بلکه می‌تواند الگوهای همگرایی و واگرایی در سطح جهانی را هم تحت تأثیر قرار دهد.

۱- پیشینه تحقیق

منطقه‌گرایی و امنیت منطقه‌ای موضوعی است که تاکنون آثار متعددی در ارتباط با آن به نگارش درآمده است. با توجه به رویکرد محققان به این موضوع می‌توان آثار موجود را به سه گروه اصلی تقسیم نمود:

۱-۱- آثاری که رویکرد مجموعه امنیتی را مد نظر دارند

شماری از اندیشمندان، برقراری امنیت را مسئله‌ای جهانی می‌دانند، لیک و مورگان^۱ در کتاب «نظم‌های منطقه‌ای» به موضوع برقراری امنیت در جهان نوین پرداخته‌اند. به عقیده آنها پس از جنگ سرد عمده تلاش‌هایی که برای برخورد با مناقشات و ارتقاء سطح همکاری‌ها انجام شد غالباً در چهارچوب مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای بوده است و نه در سطح جهانی. در حالیکه برخی موضوعات بدون شک در سطح جهانی اداره می‌شوند اما کشورها برای حل و اداره آن مناقشات به نظم‌های منطقه‌ای روی آورده‌اند. آنها سه عامل را تعیین‌کننده نظم‌های منطقه‌ای در جهان پس از جنگ سرد می‌دانند. نظام‌های منطقه‌ای، ائتلاف‌های سیاسی داخلی و نظام بین‌الملل. مورگان و لیک بر این باور هستند که در داخل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، ساختار سیاسی هر منطقه شرط عمده‌ای برای نوع نظم منطقه‌ای است که اتخاذ می‌شود (لیک، ۱۳۸۱: ۴۶۳).

۱-۲- آثاری که رویکرد سازمانی به امنیت دارند

برخی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای را عهده‌دار صلح بانی و تامین امنیت می‌دانند، اشتیاق احمد، نهادی همچون سازمان همکاری اسلامی را بستری مناسب برای شکل‌گیری منطقه‌گرایی بر مبنای هویت اسلامی میدانند (احمد، ۱۳۹۱: ۳۶۹). پائول ویلیامز بر این باور است که در طول تاریخ هیچگاه ایجاد تعادل و توازن میان شکل‌های منطقه‌ای و جهانی صلح بانی تا این اندازه مهم نبوده است. وی می‌گوید: با اینکه شورای امنیت سازمان ملل عهده‌دار صلح بین‌المللی است اما دیگر نهادهای منطقه‌ای نیز بازیگران عرصه امنیتی هستند و هر روز بر اهمیت حضور آن بازیگران افزوده می‌شود (ویلیامز، ۱۳۹۶: ۱۷۰). مجید عباسی در کتاب «سازمانهای منطقه‌ای و مدیریت امنیت» به نقش شورای همکاری خلیج فارس در مدیریت امنیت منطقه پرداخته است. وی ابتدا به عوامل موثر بر شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس پرداخته است. سپس به توضیح ارکان و تشکیلات شورا و سیاستهای شورا در حوزه‌های نظامی-امنیتی پرداخته است. او در بخش سیاست خارجی شورای همکاری خلیج فارس به این نکته اشاره می‌کند که تلقی نظام بین‌الملل از دولت‌های عضو شورا این است که آنان توانمندی لازم



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

برای هدایت سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی خود را ندارد؛ و این موضوع را نکته‌ای کلیدی در فهم سیاست خارجی شورا می‌داند. لذا هدف شورا را صرفاً حفظ وضع موجود از طریق حفظ توازن منطقه می‌داند (عباسی، ۱۳۹۲: ۳۵۸).

۱-۳- آثاری که رویکرد راهبردی به امنیت منطقه‌ای دارند.

پاره‌ای از نویسندگان نظریات همگرایی منطقه‌ای را دارای هنجار و ارزش مشخص می‌دانند، دهقانی فیروزآبادی در کتاب «نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی» نظریات همگرایی منطقه‌ای را به دو گروه دولت‌گرایی و فوق‌ملی‌گرایی دسته‌بندی می‌کند. وی معتقد است برخلاف ادعای اثبات‌گرایی و نظریه‌های مبتنی بر آن، نظریات همگرایی منطقه‌ای مانند سایر نظریات روابط بین‌الملل بی‌طرف نیستند بلکه این نظریات جهت‌دار و دارای بار ارزشی مخصوص به خود هستند. زیرا این نظریات علاوه بر تبیین واقعیت‌های عینی، سازه‌هایی مفهومی برای ارزشها و هنجارهای مشخص هستند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۴۳). رابرت استوارت در کتاب قدرت‌های منطقه‌ای و نظم‌های امنیتی بر اهمیت داشتن «چارچوب» در حوزه مطالعات امنیتی تأکید می‌کند. وی چارچوب را به‌عنوان ابزاری برای پژوهش‌های بیشتر در حوزه امنیت منطقه‌ای می‌داند. چارچوب مسیری را تعیین می‌کند که قدرت‌های جهانی از طریق آن می‌توانند به محیط منطقه‌ای اثر بگذارند. آنها در قالب «چارچوب» می‌توانند حداقل از سه طریق بر نظم‌های امنیتی منطقه‌ای تأثیر بگذارند. اول: آنها می‌توانند در مجموعه امنیتی مشارکت نداشته باشند و یا مشارکتی ناچیز داشته باشند. دوم: قدرت‌های منطقه‌ای با نفوذ در سیاست‌های خارجی دولت‌های منطقه می‌توانند مشارکت فعال‌تری را در مجموعه‌های منطقه‌ای داشته باشند و سوم: هم اینکه قدرت‌های بزرگ در منطقه مداخله مستقیم داشته باشند (استوارت، ۱۳۹۲: ۳۲۷).

در اینجا ذکر این نکته شایسته است که برخلاف لیک و مورگان ساختار سیاسی را عامل مهمی در نوع نظم منطقه‌ای می‌دانند، لیکن این پژوهش درصدد آن است که اثبات کند، علیرغم وجود ساختارهای سیاسی و حتی بافت دینی و مذهبی مختلف در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با ارائه راهکاری، از طریق همگرایی منطقه‌ای، امنیت و ثبات را در منطقه ایجاد نماید. برخلاف دسته دوم که امنیت را سازمانی می‌دانند، نویسندگان بر این باورند که به دلیل ساختار ویژه منطقه خلیج فارس، تامین امنیت این منطقه صرفاً از مجرای سازمان‌های فرامنطقه‌ای و بین‌المللی قابل تحقق نیست. از طرفی این پژوهش سعی دارد تا راهکاری ارائه دهد تا دخالت و حضور نیروهای بیگانه را در منطقه به حداقل یا صفر رساند. مخصوصاً پس از ترور شهید قاسم سلیمانی و مطرح شدن پروژه خروج ایالت



متحدہ از منطقه، این فرصت برای جمهوری اسلامی جهت پیشی گرفتن از سایرین و در دست گرفتن ابتکار عمل، می تواند بسیار موثر باشد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش تحلیل ثانویه است که در آن، محققین با توجه به منابع موجود از آثار باری بوزان و برخی از اندیشمندان حوزه امنیت، جهت استنباط از اندیشه فکری ایشان، از این روش استفاده نموده اند و سپس آن را برای مسئله موجود در قضیه امنیت جمهوری اسلامی ایران به کار برده اند. از آنجایی که نظریه منطقه گرایی از نظریات و ابداعات باری بوزان است، لذا این مقاله اساس کار خود را بر طبق نظریه منطقه گرایی بوزان قرار داده است و نگارندگان سعی کرده اند آن را از حالت نظری صرف خارج کرده و این نظریه را بر مسئله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تطبیق داده اند.

۳- مبانی مفهومی

در این قسمت چارچوب مفهومی و نظری بحث به صورت مختصر ارائه می گردد.

۳-۱- امنیت ملی

تعاریف کلاسیک از امنیت ملی بیشتر به جنبه نظامی موضوع می پردازند تا دیگر زوایای آن. به عقیده ماندل، معنی کردن امنیت ملی در جهان امروز کار پیچیده است (ماندل، ۱۳۸۷: ۴۳). تعاریف موجود هر یک از زوایای به مسئله امنیت ملی پرداخته اند، ما معتقدیم امنیت ملی به خاطر ماهیت گسترده ای که دارد می تواند با هر امری درآمیزد. تعریف مختار ما از امنیت ملی در واقع حصول امنیت و احساس امنیت در تمام ابعاد امنیتی یک کشور است. به طوری که ضعف در آن خطر جدی برای منافع وجودی و حیاتی کشور در پی خواهد داشت. لذا به نظر می رسد که تعریف مختار از امنیت ملی توانایی دولت در صیانت از خود در برابر خطرات، مخاطرات و تهدیدهای خارجی است (Kolodziej, 2005: 25-27).

۳-۱-۲- منطقه

منطقه به مجموعه ای از کشورها گفته می شود که در یک حوزه جغرافیایی قرار دارند. این کشورها دارای روابط متقابل ارگانیک بوده و دگرگونی در یکی از آنها بر سایر کشورهای منطقه نیز تاثیرگذار است. در حقیقت منطقه باید دارای ویژگی های یک زیر سیستم باشد (نقیب زاده، ۱۳۸۲: ۶).



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۳-۱-۳- منطقه گرایی

منطقه گرایی (Regionalism) که از لغت region به معنای منطقه و پسوند ism که به معنای گرایش و اعتقاد ترکیب شده است اما در ادبیات روابط بین الملل، منطقه گرایی هنگامی به کار می رود که دولت های واقع در یک منطقه جغرافیایی که دارای علایق مشترک هستند از طریق سازمانهای منطقه ای با یکدیگر همکاری نظامی، سیاسی و اقتصادی داشته باشند (علی بابایی، ۱۳۷۲: ۱۳۲). از نظر لوییس فاست منطقه گرایی، چونان شیوه ای برای بررسی و کشف الگوهای گسترده تر همکاری و منازعه در منطقه و فرآیندی که طی آن دولت ها و بازیگران دیگر راهبرد و سیاست مشترکی را در منطقه درپیش می گیرند، همچنین درون یک منطقه فرضی به تشویق و ترویج استراتژی پرداخته و هدف آن نیز تعقیب هدف های مشترک در یک یا چند حوزه است، تعریف می شود (فاست، ۱۳۸۶: ۳۱۷).

۳-۱-۴- امنیت منطقه ای

مفهوم مجموعه امنیتی منطقه ای^۱ برای نخستین بار توسط باری بوزان در کتاب مردم، دولت ها و هراس مطرح گردید. وی بر این باور است که از آنجا که سطوح تحلیلی ملی و بین المللی نمی توانند برای تجزیه و تحلیل مسایل مربوط به مناطق مناسب باشند، لذا وجود یک سطح تحلیل میانه برای این منظور ضروری خواهد بود. وی منظور از ارئه سطح تحلیل میانه را تلاشی در جهت پر نمودن شکاف میان سطح دولت و سیستم (نظام بین الملل) می داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۲۱۲). بوزان نظریه امنیت منطقه ای خود را در کتاب «مناطق و قدرتها: ساختار امنیت بین المللی» نیز ارائه کرده است. او با دیدی تلفیقی از رئالیسم و سازنده گرایی در ادامه مکتب کپنهاگ به بررسی مطالعات امنیتی پرداخته است. به عقیده وی موضوع امنیت مسئله ای نیست که بتوان بدون در نظر گرفتن ساختارهای منطقه ای آن را مورد تحلیل قرارداد. «پویش های امنیتی ذاتا رابطه ای هستند و هیچ ملتی نمی تواند به تنهایی امنیت خود را تامین کند» (بوزان و وویور، ۱۳۸۸: ۵۴).

۴- مبناي نظري و چارچوب تحلیلي

مجموعه امنیتی منطقه ای نظریه ای است که در تجزیه و تحلیل مسائل امنیت بین الملل، سطح منطقه ای را به عنوان چارچوب نظری خود انتخاب می کند. بر اساس این نظریه، پایان جنگ سرد، جهان را در یک وضعیت ناامنی قرار داد که ریشه این ناامنی در مفروضه های مکتب رئالیسم و جهان گرا قرار دارد. مکتب



واقع‌گرا با تلقی دولت به عنوان یگانه موضوع امنیت و نیز مکتب جهان‌گرا با تلقی نظام بین‌المللی به عنوان یگانه عامل امنیت، از کانون تکوین حرکت‌های اصلی منطقه غفلت کرده‌اند. به عقیده بوزان و ویور، باید از طریق درک پویای امنیت منطقه‌ای درکی وسیع‌تر از امنیت یافت، چرا که به قدری مسائل امنیتی کشورها در هم تنیده است که نمی‌تواند جداگانه مورد تحلیل قرار بگیرد (Buzan and Waever, 2009: 54).

از نظر بوزان و ویور، منظومه‌ی قدرت، تابعی از مناطق محسوب می‌گردد. برداشت آن‌ها از منظومه قدرت، نوعی توجه محوری به نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آن‌ها در منظومه قدرت جهانی است. (یونسین، ۱۳۸۴: ۵۷). تأکید بر سطح منطقه به نوپیداها و پویای امنیت بعد از جنگ سرد در نظام بین‌الملل برمی‌گردد. بوزان، معتقد است که تحلیل‌های سطح کلان و سطح خرد نمی‌تواند، پاسخگوی تغییرات ایجادشده در ابعاد و مرجع امنیت باشد (Buzan, 1991: 70).

بوزان نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به سه دلیل مفید می‌داند: اول اینکه در مورد سطح تحلیل مناسب در مطالعات امنیتی چیزهایی به ما می‌گوید. دوم اینکه می‌تواند مطالعات تجربی را سازماندهی کند. و سوم اینکه بر اساس اشکال ممکن شناخته شده و بدیل‌های مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای می‌توان سناریوهای مبتنی بر نظریه را طراحی کرد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۵۶).

قدرت‌های فرامنطقه‌ای نه تنها در پویای امنیت بلکه در الگوهای دوستی و دشمنی تأثیر گذار هستند. مانند مواقعی که دو طرف منازعه در یک منطقه وابسته به قدرت ثالثی هستند که این قدرت می‌تواند آنها را در روند دلخواه خود سازماندهی کند. بوزان در ادامه به توصیف نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌پردازد. اصلی‌ترین کارکرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای از نظر بوزان سازماندهی مطالعات تجربی امنیت منطقه‌ای در یک چارچوب است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۲).

بر اساس این نظریه، به منظور اینکه گروهی از دولت‌ها یا واحدها کیفیت مجموعه امنیتی منطقه‌ای داشته باشند، باید از نظر امنیتی تا آن حدی وابستگی متقابل داشته باشند که برای تبدیل آن‌ها به مجموعه‌ای متصل و درعین حال مجزای از مناطق امنیتی پیرامون فایت کند (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۲۷۸).

به عقیده برخی صاحب‌نظران امنیت مانند بوزان و ویور، امنیت هیچ کشوری تنها متکی بر خود نیست و نمی‌توان تنها بر سطح ملی در تحلیل امنیت متکی بود. از طرفی، سطح جهانی نیز بسیار کلی و فاقد فهم کافی از امنیت برای کشورهاست. بنابراین آن‌ها سطح منطقه‌ای را به عنوان سطح تحلیل مناسب معرفی می‌کنند. به عقیده آنان، مجموعه منطقه‌ای هر دو مؤلفه ملی و جهانی را در خود دارد؛ هم وابستگی



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

متقابل امنیتی لحاظ شده است، هم از گستردگی بیش از حد گستره امنیت اجتناب شده است. در سطح منطقه‌ای، امنیت جهانی و ملی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. امنیت واحدهای مجزا و فرایند مداخله قدرت‌های جهانی را تنها از طریق درک پوشش‌های امنیت منطقه‌ای قابل درک و تحلیل است (Buzan and Waever, 2009: 54).

۴-۱- سطوح تحلیل در مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای

۴-۱-۱- سطح داخلی

کار بست سطح تحلیل داخلی در مجموعه امنیتی منطقه خلیج فارس این امکان را فراهم می‌سازد تا از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به واکاوی ارتباط میان ساخت اجتماعی و سیاسی کشورهای منطقه بپردازیم. در بعد داخلی به وضعیت داخلی هر یک از دولت‌های منطقه و خصوصاً آسیب‌پذیری‌های داخلی آنها پرداخته می‌شود. آسیب‌پذیری خاص یک دولت معرف نوع ترس‌های امنیتی آن است (ویور ۱۹۸۹: ۵۸). مولفه‌های سطح تحلیل داخلی عبارتند از: ساختار دولت، وضعیت همگرایی و واگرایی درونی، انسجام ملی، اپوزیسیون فعال، نارضایتی‌های داخلی و... البته دولت‌ها معمولاً موضوعات امنیتی را با هم ادغام می‌کنند؛ زیرا یک تهدید در پرتو تهدیدات دیگر درک می‌شود. لذا در سطوح بعدی تحلیل سطح داخلی را یک کل در نظر می‌گیرند.

۴-۱-۲- روابط دولت-دولت

در این تصویر دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی مطرح می‌شوند و سطح مناسبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. طبیعتاً هر چه در این روابط همگرایی بالاتری مشاهده شود مناسبات امنیتی نیز از آن متأثر خواهد شد و هر چه مناسبات امنیتی مستحکم‌تر شود سطح تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هم افزایش پیدا خواهد کرد. مولفه‌های سطح تحلیل دولت عبارتند از: دولت‌ها موجودیت‌های مستقلی هستند، دولت‌ها در تعاملات شان به دنبال منافع خاص خود هستند. دولت‌ها امنیت خود را در نظم بین‌المللی از طریق خودیاری تأمین می‌کنند. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۰)

۴-۱-۳- تعامل منطقه با مناطق همسایه

در بعد سوم تعامل منطقه با مناطق مجاور مورد بررسی قرار می‌گیرد. همانطور که تعامل دولت‌ها با یکدیگر غیر قابل اجتناب است، تعامل مناطق با یکدیگر هم ضروری است. این بسته به آن است که یک منطقه دارای زیر مجموعه منطقه‌ای نیز باشد یا نه! البته «مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای الزاماً نباید زیر مجموعه داشته باشند اما اگر تعداد دولت‌ها در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای زیاد باشد وجود آن



نامتعارف نیست» (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۳). در سطح تعاملات بین منطقه‌ای، مولفه‌های همکاری، اهداف و منافع مشترک و امنیت دسته جمعی قابل توجه هستند.

۱-۱-۴- نقش قدرت‌های جهانی در منطقه

این سطح از آن جهت که می‌تواند دیگر سطوح را مستقیماً تحت تأثیر قرار دهد دارای اهمیت مطالعاتی بالایی است. قدرت‌های جهانی از طریق مولفه‌های: یک‌جانبه‌گرایی، دو قطبی سازی، هژمون سازی، ایجاد نظم‌های منطقه‌ای و حضور مستقیم بر امنیت منطقه تأثیرگذار هستند. (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۶۵) در مجموع این نظریه نمی‌گوید که کدام سطح غالب است بلکه معتقد است در یک خوشه امنیتی هر چهار سطح همزمان کار می‌کند. و برای تحلیل درست باید همه مولفه‌ها در نظر گرفته شود. بر اساس نظریه مختار ما برای تحلیل امنیت منطقه‌ای باید از بررسی سطح داخلی به بررسی دیگر سطوح پرداخت. زیرا سیاست خارجی ادامه‌ی سیاست داخلی کشورها است. الگوی تحلیل بررسی نقش منطقه‌گرایی در تأمین امنیت ملی شامل متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته است. متغیر مستقل امنیت ملی و متغیر وابسته منطقه‌گرایی است. در این الگو کشورها با توجه به منابع داخلی و خارجی خود، تعریفی از امنیت ملی ارائه می‌دهند که این تعریف اهدافی را در نظر می‌گیرد. سپس نقش منطقه‌گرایی را در دستیابی به اهداف امنیت ملی مشخص می‌کنند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۵- ساختارهای بنیادین مجموعه امنیتی منطقه‌ای خلیج فارس

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای چهار متغیر دارد که در زیر هر کدام از متغیرها را بررسی می‌کنیم:

۱-۵- متغیرهای چهارگانه مجموعه‌های امنیتی

۱-۱-۵- مرز

اول مرز است که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا می‌کند (بوزان، ۱۳۸۸: ۲۱۵). مرزها در منطقه خلیج فارس و شامات همیشه محل مناقشه و اختلاف بوده‌اند. علت عمده آن هم شیوه تعیین مرزی است که انگلستان پس از جنگ جهانی اول برای منطقه در نظر گرفت. وضعیت مرزها در خاورمیانه بهتر از دیوار برلین که مرز میان آلمان شرقی و آلمان غربی بود، نیست! بسیاری از مشکلات امنیتی منطقه بر سر مرز است. مثلاً کردها که خود را یک قومیت واحد می‌دانند در چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه پراکنده‌اند. نگاه آن‌ها به مرز نه حد پایان سرزمین بلکه حائلی در برابر آزادی است.



اساساً سبک دولتشازی پس از جنگ جهانی اول بی‌توجه به این مسئله بود و دنباله تأثیرات این موضوع تا امروز هم در منطقه وجود دارد. در منطقه کرانه شرقی رود اردن که فاصل میان سوریه، لبنان، اردن و فلسطین اشغالی است، مرزها شرایط ناپایداری دارند. در منطقه خلیج فارس درگیری بر سر ادعای امارات در خصوص جزایر سه گانه ایرانی و اختلاف ایران و عراق بر سر اروند رود نیز نمونه‌ای از مناقشات مرزی است. اختلافات مرزی در خاورمیانه بیشتر از اینکه در سرحد منطقه امنیتی باشد که آن را از دیگر مناطق جدا می‌کند بیشتر در درون منطقه امنیتی است و این از پیچیدگی‌های خاص این منطقه است. در طی سال‌های اخیر و با توجه به بحران آب در منطقه، اختلافات بر سر تقسیم آب میان کشورها نیز به مناقشات مرزی گذشته اضافه شده است، مانند اختلاف در حوزه آبی دجله و فرات میان عراق و ترکیه.

۲-۱-۵- ساختار آنارشیک

دومین متغیر بنیادین ساختار آنارشیک است، به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه ای باید از دو یا چند واحد خودمختار تشکیل شده باشد. تقریباً در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس این موضوع قابل صدق است. منطقه امنیتی خاورمیانه یک منطقه امنیتی استاندارد است، به این معنا که ساختار آن فاقد قدرت مرکزی است که تصمیم‌گیر نهایی در منطقه باشد. در طی سال‌های پس از سقوط صدام، عربستان سعودی به دنبال ایجاد جایگاه مرکزی برای خود بود که با توجه به محدودیت‌های زیرساختی و وابستگی علنی آن به غرب این موضوع اتفاق نیفتاد. لکن ساختار منطقه متشکل از واحدهای خودمختاری است که هر کدام به دنبال تأمین منافع ملی خود و همراه کردن دیگر کشورها در این زمینه هستند. وجود انبوهی از قدرت‌های کوچک در منطقه، تمرکز مناسبات را بر روی چند قدرت اصلی متمرکز ساخته است. چرا که قدرت‌های ذره‌ای توان ایجاد موازنه قدرت در منطقه را ندارند. بعدها اشاره خواهیم کرد که عمق استراتژیک‌یکی از مولفه‌های مهم در تأمین امنیت ملی است که جمهوری اسلامی به خوبی از آن بهره‌مند است.

۳-۱-۵- قطبش

سومین متغیر قطبش است که پوشش دهنده توزیع قدرت در میان واحدهاست. قطبش یکی از عوامل شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. عدم وجود آن به معنای نبود نظام توزیع قدرت در میان دولتهای منطقه است. متغیر قطبش که پوشش دهنده توزیع قدرت میان واحدها در یک مجموعه است، در منطقه خلیج فارس نیز دارای کاربست است. این مفهوم ساختار و توزیع سخت افزاری قدرت را در مجموعه امنیتی خلیج فارس نشان می‌دهد. یعنی این منطقه از لحاظ ساختار قدرت دو قطبی است و قدرت در کشورهایی چون ایران و عربستان متمرکز است، هرچند پاکستان نیز خود را تعریف‌کننده یک

قطب تلقی می‌کند. به لحاظ توانمندی‌های بالقوه و همچنین مزیت ژئوپولیتیکی، جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در مجموعه امنیتی خلیج فارس، صدرنشین هستند (استوارت و فریزر، ۱۳۹۲: ۱۰۸). نکته مهم این است که وضعیت قطبش در منطقه خلیج فارس را تنها با نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌توان تحلیل و بررسی کرد. زیرا برای مثال، نورنالیسم از قابلیت توضیح دهنده قطبش در منطقه جنوب آسیا برخوردار نیست، چونکه نورنالیسم مدعی قطبش در نظام بین الملل است، درحالی که در مجموعه امنیتی قطبش سطح منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده است.

۴-۱-۵- ساخت اجتماعی و الگوهای دوستی-دشمنی

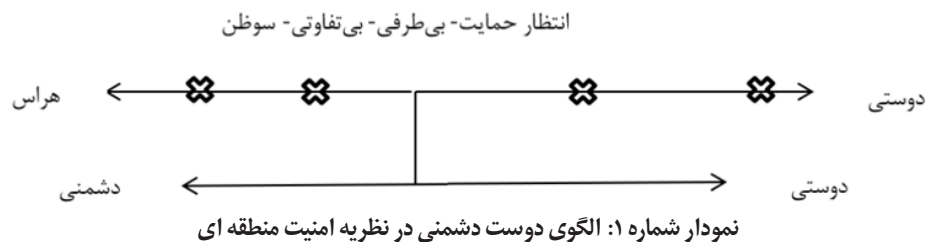
متغیر چهارم ساخت اجتماعی است که شامل الگوهای دوستی-دشمنی میان واحدهاست. این الگوها در مرحله اول ناشی از ذهنیت بازیگران نسبت به یکدیگر است که منجر به کنش آنها شده و آن کنش است که همگرایی یا واگرایی واحدها را مشخص می‌کند. در منطقه خلیج فارس پس از انقلاب اسلامی این ذهنیت در دولت‌های عربی به وجود آمد که استقرار یک نظام دینی در ایران خطر بالقوه و حتی بالفعل برای امنیت ملی آنهاست. لذا الگوی پذیرفته شده آنها از همان ابتدا تقابل با پیامدهای انقلاب اسلامی بود. لذا الگوی موجود در منطقه الگوی دوستانه‌ای نیست و همین امر تعامل میان واحدها را کم و بدبینانه کرده است. پس از بحران امنیتی در سوریه و عراق بین کشورهای محور مقاومت الگوهای دوستی مستحکمی ایجاد شد. که می‌توان این الگو را در پاسخ به الگوی دوستی تعریف شده از طرف آمریکا و شرکای منطقه‌ای آن دانست. در بین متغیرهای مذکور، الگوی دوستی-دشمنی اهمیت ویژه‌ای دارد. چرا که کاربست این الگو نه تنها نظریه بوزان را از نظریات رئالیستی تفکیک کرده و به آن جنبه سازه‌انگارانه می‌بخشد، بلکه نوع الگوهای روابط حاکم بر کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی را نیز تعیین می‌کند (نورمحمدی، ۱۳۹۷: ۷). به نظر می‌رسد در شکل‌گیری دوستی و دشمنی موضوعاتی همچون مذهب، تاریخ، تمایلات قومی، فرهنگ و جغرافیا تأثیرگذار است.

از میان متغیرهای تشکیل دهنده یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، الگوهای دوستی-دشمنی اهمیتی مضاعف دارند. زیرا نه تنها بعدی سازه‌انگارانه به نظریه بوزان می‌دهد و آن را از نظریات رئالیستی متمایز می‌سازد، بلکه نوع الگوهای روابط حاکم بر کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را نیز تعیین می‌کند. مجموعه امنیتی بیان می‌دارد که توزیع قدرت به تهنایی برای برآورد الگوهای منازعه در منطقه یا حتی نظام کافی نیست، بلکه دوستی‌ها و دشمنی‌های تاریخی، مثل موضوعات خاصی که موجب منازعه و همکاری می‌شوند، در شکل‌گیری مجموعه فراگیری از ترس‌ها، تهدیدات و دوستی‌ها موثرند. بنابراین



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الإسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بای جهان اسلام

متغیرهای مختلف بستر خاصی نظیر تاریخ، فرهنگ، مذهب و جغرافیا الگوهای دوستی و دشمنی را تحت تأثیر قرار می دهند (Buzan and Weaver, 2009: 16).



برخی از تحلیلگران بر این باور هستند که آمریکا همواره خواهان سطحی از تنش در منطقه خلیج فارس بوده است؛ زیرا اگر خلیج فارس خالی از تنش باشد توجهات به سمت مسئله فلسطین جلب خواهد شد و از طرفی این تنش ها امروزه به یک منبع مالی برای دولت آمریکا تبدیل شده اند. پس ایران در شرایطی قرار دارد که یک قدرت بزرگ به دنبال بدست گرفتن مجموعه امنیتی منطقه و تضعیف دولت های رقیب است. این شرایط در سال های اخیر و با پیش آمدن مسئله هسته ای ایران با فشارهای حداکثری و تحریم های اقتصادی همراه بوده است.

فرآیندهای منطقه ای و بین المللی نشان دهنده آن است که نمی توان بدون همکاری های منطقه ای و فارغ از چارچوب پیمان-های دفاعی به نتایج مؤثر امنیتی نایل شد، به عبارتی سال هاست که پیچیدگی ها و دشواری های تامین امنیت، دولت های مدرن را متقاعد ساخته است که یکی از بهترین راهکارها برای تضمین امنیت ایجاد اتحاد های دویا چند جانبه است. لذا با توجه به حساسیت های امنیتی خاور میانه این منطقه پس از اروپا و آمریکا از پیشروترین بخش های جهان در ایجاد پیمان های دفاعی شد و پیمان های چون سعدآباد، بغداد، سنتو، اتحادیه عرب، گف و گوهای اتحادیه اروپا-مدیترانه و طرح همکاری استانبول نمونه های تاریخی پیمان ها و مذاکرات دفاعی-امنیتی در منطقه بودند که با هدف تامین امنیت مطرح شدند.

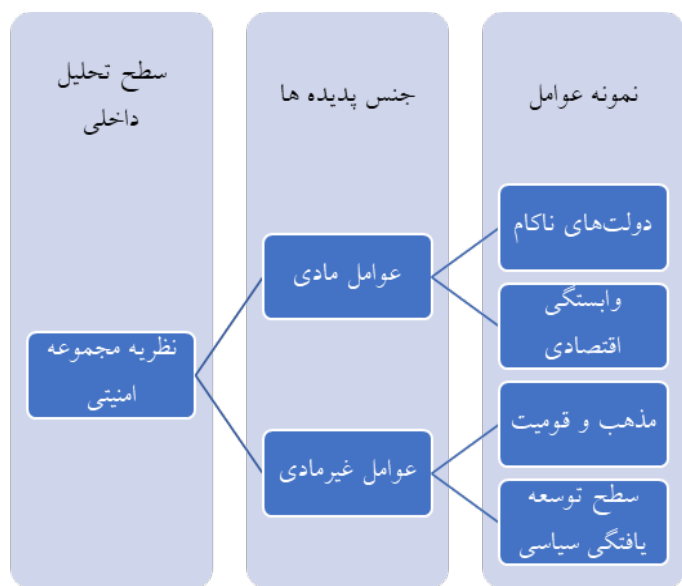
۲-۵- تطبیق عینی سطوح تحلیل در مجموعه منطقه خلیج فارس

۱-۲-۵- سطح داخلی

خاور میانه منطقه ای است که عمدتاً از دولت های مدرن پسااستعماری هر چند ضعیف تشکیل شده است. اما هنوز مملو از عناصر پیشامدرن قدرت نظیر قبیله، عشیره و مذهب است (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۱). منطقه امنیتی خاور میانه همچون جنوب آسیا با جنگ زاده شد. دموکراسی به سبک کشورهای غربی



در خاورمیانه امری نادر است. چرا که هنوز سلطنت پرمشتری‌ترین مدل حکومت است در خاورمیانه این ارتش و اسلحه است که حرف آخر را می‌زند. «در خاورمیانه چارچوب دولتی مسلط است» (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۰۵). یعنی دولت‌ها بازیگران اصلی هستند البته نقش دولت‌ها بنابر قدرتی که بازیگران غیردولتی پیدا می‌کنند، متغیر است. به عنوان مثال داعش در سوریه توانسته بود بخش زیادی از خاک این کشور را تحت حاکمیت خود در بیاورد. در سطح تحلیل داخلی باید گفت که کشورهای منطقه، خصوصاً دیکتاتوری‌ها عمدتاً متأثر از تصمیمات لحظه‌ای و فردی هستند. این موضوع بحث‌های مربوط به منطقه‌گرایی را نیز تحت تأثیر خود قرار داده است. چرا که عدم ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و متزلزل بودن الگوهای همگرایی و واگرایی در این دولت‌ها باعث شده است تا کشورها بیشتر از تعاملات منطقه‌ای، سعی کنند موجودیت خود را با یافتن متحدی فرامنطقه‌ای تأمین کنند. عوامل موثر در سطح تحلیل داخلی به قرار زیر است:



جدول شماره ۱: عوامل موثر در سطح تحلیل داخلی

۲-۲-۵- سطح تحلیل دولت-دولت

ایران در منطقه غرب آسیا تنها کشوری است که توانسته است از ظرفیت انقلاب استفاده کاملی داشته باشد. جنگ ۸ ساله ایران و عراق همگرایی ملی را میان ایرانیان بالا برد. انسجام ملی در ایران با وجود



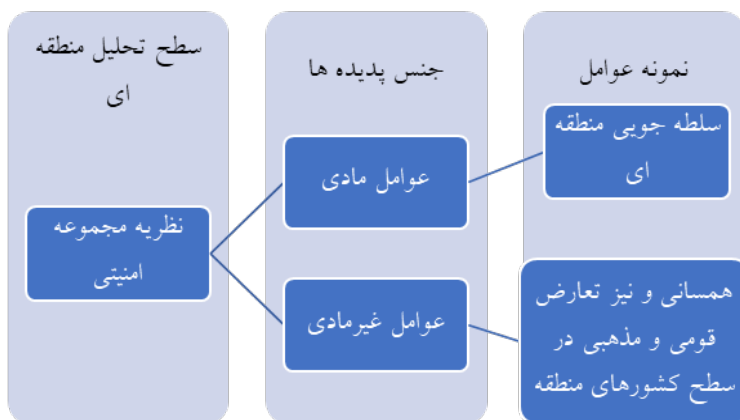
فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ای برای جهان اسلام

تنوع قومیتی بالاست. ترک و کرد و لر و بلوچ و عرب و... همه خود را ایرانی می‌دانند. مردم هر دو سال یکبار پای صندوق‌های رای می‌روند و از رئیس‌جمهور که بالاترین قدرت اجرایی است تا شوراهای محلی توسط آنها انتخاب می‌شوند. شرایط ژئوپولیتیک ایران به عنوان چهارراه منطقه نیز یکی از عوامل استراتژیک بودن این کشور است. دسترسی وسیع به آب‌های آزاد، منابع نفت و گاز و پهناوری سرزمینی از دیگر عوامل موثر در امنیت ملی ایران است. یکی از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت جمهوری اسلامی در این سال‌ها توان بازدارندگی نظامی آن است که نقش به سزایی در ایجاد ثبات داخلی داشته است، آن هم در شرایطی که منطقه غرب آسیا با شدیدترین درگیری‌های داخلی روبه‌رو بوده است.

تحریم‌های یکجانبه آمریکا یکی از جدی‌ترین مسائل امنیت ملی برای دولت ایران محسوب می‌شود. این موضوع در طی سال‌های اخیر کشور را با مشکلات متعدد اقتصادی مواجه ساخته که این مشکلات تنها در حوزه اقتصاد نبوده و سرریز آن به دیگر حوزه‌ها از جمله، فرهنگ، بهداشت و درمان و آموزش و پرورش نیز سرایت کرده است. از آنجا که انزوا برای کشوری با موقعیت ایران تصوراتناپذیر است پس یکی از گزینه‌های جدی برای عبور از این بحران حرکت به سمت منطقه‌گرایی است. منطقه‌گرایی در حالیکه موضوعی داخلی نیست اما اثرات آن در حوزه سیاست داخلی نیز موثر خواهد بود. چرا که اگر منطقه‌گرایی منجر به باز شدن جریان‌های اقتصادی کشور باشد.

روابط دولت-دولت در منطقه غرب آسیا طی چند دهه اخیر با فراز و فرودهایی همراه بوده است. الگوهای دوستی و دشمنی در مدت زمان‌های نه چندان طولانی تغییرات محسوسی را در پی داشته‌اند. ایران و عراق در دهه ۱۹۸۰ دشمن و امروزه متحد یکدیگر هستند. قطر و عربستان سال‌ها عضو شورای همکاری خلیج فارس بوده‌اند و امروز سیاست‌هایی ضد یکدیگر در پیش گرفته‌اند. به دلیل اینکه بسیاری از دولت‌ها به صورت خاندانی و قبیله‌ای و متکی به شخص، نه متکی به سیستم و چارچوب اداره می‌شود، در برخی کشورها با تغییر رئیس دولت، سیاست خارجی کشور به طور کلی تغییر می‌کند. به طوری که بعضاً تغییر دولت اثراتی در سطح انقلاب را به دنبال دارد. لذا در یک سطح می‌توان روابط دولت-دولت در خاورمیانه را روابط شخص-شخص تعریف کرد. این مسئله درباره بسیاری از دیکتاتوری‌های منطقه قابل صدق است. اما از طرف دیگر کشورهایی همچون ایران که در آنها روابط خارجی در چارچوب سیستم تنظیم می‌شود، روابط دولت-دولت تحت تاثیر منافع ملی تعریف می‌شود. لذا ارتباط با همسایگان و کشورهای منطقه در سیاست خارجی ایران همواره یک اصل بوده است. هر چند سطح اجرای آن تحت تاثیر آمادگی طرفین برای همکاری در نوسان بوده است. مثلاً دولت افغانستان به دلیل مشکلات داخلی

آمادگی همکاری در یک سری از موضوعات امنیتی و زیرساختی را ندارد، و یا برخی همسایگان شمالی ایران متاثر از تحریم‌های آمریکا آمادگی افزایش ظرفیت همکاری‌های اقتصادی را ندارند.



جدول شماره ۲: عوامل موثر در سطح تحلیل منطقه ای

۳-۲-۵- تعامل منطقه با مناطق همسایه

برای پرداختن به این موضوع ابتدا باید به تعریف منطقه و زیرمجموعه منطقه‌ای پرداخت. هر مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌تواند به یک یا چند زیرمجموعه منطقه‌ای تقسیم شود. به این صورت که هر زیرمجموعه از طرفی خصوصیات و تمایزات خاص خود را دارا باشد و از طرف دیگر اشتراکات خود با مجموعه امنیتی منطقه‌ای را نیز حفظ کرده باشد. در تقسیم‌بندی بوزان منطقه امنیتی خاورمیانه به سه زیرمجموعه امنیتی تقسیم می‌شود: زیرمجموعه امنیتی شامات، زیرمجموعه امنیتی مغرب و زیرمجموعه امنیتی خلیج فارس. به دلیل حضور ایران در زیرمجموعه خلیج فارس عمده بحث بر روی این زیرمجموعه خواهد بود اما از آنجا که دامنه اثرگذاری ایران در زیرمجموعه شامات را هم در بر می‌گیرد لازم است به آن نیز پرداخته شود. بوزان اشاره می‌کند که زیرمجموعه مغرب جایگاه و اهمیت خود را تا حد زیادی از دست داده است، و آنچه ما امروزه مشاهده می‌کنیم هم موید این مسئله است.

نکته‌ای که در نقد تقسیم‌بندی بوزان وجود دارد این است که: تقسیم‌بندی‌های امنیتی در خاورمیانه مرزبندی شفافی از یکدیگر ندارند. و اصطلاحاً در یکدیگر تنیده شده‌اند. لذا نمی‌توان زیرمجموعه شامات که سوریه هم به عنوان یک بازیگر فعال در آن حضور دارد را بدون توجه به زیرمجموعه خلیج فارس بررسی کرد. و از طرف دیگر در نظریه بوزان به زیرمجموعه‌ای که در خلیج عدن و یمن ایجاد شده پرداخته نشده است. پس لازم است این زیرمجموعه را هم در نظریه بوزان لحاظ کرد. چرا که زیرمجموعه



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعه نرسانف العلم الاسلامی

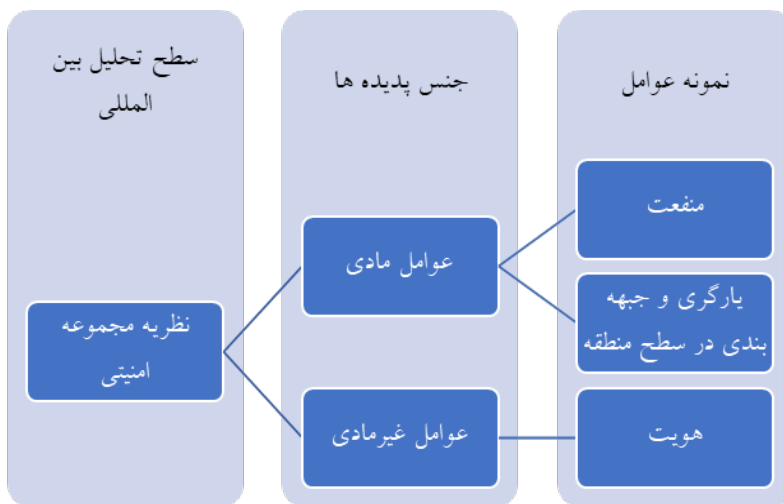


فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه دراست العالم الاسلامی
پژوهشهای بنیادی جهان اسلام

امنیتی یمن نقش تاثیرگذاری در تأمین امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی دارد. یکی از ویژگی‌های مهم برای نظریات امنیتی منطقه غرب آسیا انعطاف‌پذیر بودن و ظرفیت تغییر و گسترش داشتن است. این منطقه به دلیل ویژگی‌های ماهوی همواره در معرض تغییر و تحول بوده است. این تغییرات، شامل نظام‌های سیاسی حاکم، مرزهای جغرافیایی و آمد و شد بازیگران است و یک نظریه امنیتی باید این تحولات را نیز به عنوان بخشی از ویژگی منطقه در نظام تحلیلی خود جای دهد.

زیرمجموعه خلیج فارس که ایران هم در آن قرار دارد از سال ۱۹۷۱ و پس از خروج انگلستان از منطقه ایجاد شد. سیاست امنیتی آمریکا در دوره جنگ سرد و قبل از انقلاب اسلامی، سیاست دوستونی ایران و عربستان بود. پس از انقلاب اسلامی و از دست رفتن یک قطب امنیتی، آمریکا تلاش کرد تا با ایجاد یک پیمان منطقه‌ای این خلاء را پر کند. لذا شورای همکاری خلیج فارس متأثر از وقوع انقلاب اسلامی و با هدف یکپارچگی اقتصادی و نظامی در سال ۱۹۸۱ تأسیس شد. بوزان معتقد است: انقلاب ۱۹۷۹ در ایران یک عنصر ایدئولوژیک قوی را به رقابت این کشور با عربستان اضافه کرد و هر دو کشور برای رهبری جهان اسلام رقابت کردند (بوزان و ویور، ۱۰۷، ۱۳۸۸).

انقلاب اسلامی از آنجایی که یک انقلاب دینی و ایدئولوژیک بود باعث شد تا سران منطقه از همان ابتدا با آن احساس زاویه کنند. ترس کشورهای حاشیه خلیج فارس از صدور انقلاب به داخل مرزهای خود و قدرت گرفتن دولت انقلابی در ایران باعث شد تا الگوهای دوستی و دشمنی منطقه با تغییراتی همراه شود. از طرف دیگر صدام در عراق ادعای رهبری جهان عرب و رویای تبدیل شدن به قوی‌ترین کشور منطقه را با هم در سر داشت. این آرزوها منجر به اقدام نظامی صدام علیه ایران شد و اعراب منطقه که غالباً در بلوک غرب تعریف می‌شدند به حمایت از صدام که ذیل بلوک شرق تعریف می‌شد آمدند. حمایت این کشورها از صدام تا جنگ اول خلیج فارس ادامه داشت. حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق فصل جدیدی را در مناسبات منطقه‌ای خلیج فارس ایجاد کرد. حضور مستقیم آمریکا در منطقه الگوهای امنیتی را به شدت متأثر از الگوی امنیتی مورد نظر خود کرد. این الگو کماکان با حضور نیروهای آمریکایی در منطقه ادامه دارد (وزیریان، ۱۳۹۸) به طوری که در موضوعات حساس امنیتی منطقه، برای صحبت با اعضای شورای همکاری باید با واشینگتن تماس گرفت.



جدول شماره ۳: عوامل موثر در سطح تحلیل بین المللی

۴-۲-۵- نقش قدرت های جهانی در منطقه خلیج فارس

یکی از متغیرهای اصلی نظریه ی مجموعه ی امنیتی منطقه ای، حضور عاملی خارجی در یک مجموعه است که به نام نفوذ یاد می شود. آنچه الگوی فراگیر توزیع قدرت میان قدرت های جهانی را به پویش های منطقه ای مجموعه های امنیتی منطقه ای پیوند می زند، سازوکار نفوذ است. این متغیر را می توان به درستی در محاسبات رفتاری و پویش های امنیتی خلیج فارس مطالعه کرد. زیرا دولت های منطقه با قدرت های خارجی وارد صف بندی امنیتی شده اند و به شدت تحت تأثیر نفوذ عامل خارجی قرار دارند. یک رقابت منطقه ای بومی نظیر رقابت جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی فرصت ها یا تقاضاهایی برای نفوذ قدرت های بزرگ در منطقه را فراهم می کند.

پس از خروج انگلستان از منطقه خلیج فارس در ۱۹۷۱ بین آمریکا و شوروی رقابتی برای حضور در منطقه ایجاد شد. هر چند اکثریت کشورهای منطقه در تقسیم بندی بلوک غرب جا می گرفتند. اما شوروی هم در کشورهایی همچون عراق و یمن نفوذ داشت. منطقه خلیج فارس به خاطر وجود منابع انرژی جایگاه مخصوصی برای آمریکا داشت. و آمریکا سعی در به دست گیری این مجموعه امنیتی داشت. بوزان می گوید: ورود بنیادگرایان اسلامی به عرصه، که شگفت انگیزترین آن در ایران در ۱۹۷۹ رخ داد، با استقبال هیچ یک از دو ابرقدرت همراه نشد (بوزان و ویور، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

هر چند انقلاب اسلامی یک انقلاب ضد امپریالیستی بود، و عملاً یکی از بازوهای امنیتی آمریکا



فصلنامه علمی - پژوهشی
مجموعه‌ی دراست‌های اسلامی
پژوهش‌های بنیادی جهان اسلام

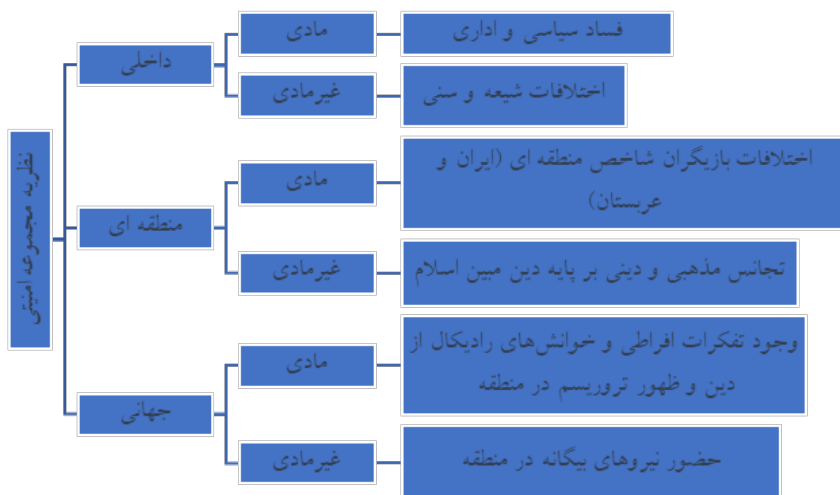
در منطقه را از بین برده بود برای شوروی خوشایند بود اما از آنجا که یک انقلاب ایدئولوژیک اسلامی بود و اندیشه‌های آن در تضاد با اندیشه‌های کمونیستی قرار داشت مورد حمایت شوروی قرار نگرفت. همین حس را آمریکایی‌ها نیز داشتند. در دوره‌ای که انقلاب به معنای رفتن به دامن کمونیست بود، آمریکایی‌ها از اینکه انقلاب ایرانیک انقلاب کمونیستی نبود خشنود بودند اما از اینکه یک قطب جدید در برابر سیاست‌های آنها در منطقه ایجاد شده بود ناخرسند بودند. لذا در جنگ صدام علیه ایران هر دو ابرقدرت به حمایت از صدام برخاستند. اما در حمله آمریکا به عراق شرایط دگرگون شد. جنگ دوم خلیج فارس دولت‌های عضو شورای همکاری را به وضعیتی شبه تحت‌الحمایگی در برابر غرب و به خصوص ایالات متحده سوق داد (بوزان و ویور، ۱۱۷، ۱۳۸۸).

نقش و حضور آمریکا پس از آن در منطقه چشمگیرتر شد. حمله آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ منطقه را تبدیل به یک منطقه تمام‌امیتی کرد، که این موضوع تا امروز هم ادامه دارد. اما نقش قدرت‌های جهانی در منطقه از سال ۲۰۱۱ وضع جدیدی پیدا کرد. در این سال ناآرامی‌هایی در منطقه آغاز شد، لیبی، مصر، یمن و سوریه. در سوریه گروه‌های شبه نظامی سریع‌ا سازماندهی شده و آماده اقدام نظامی علیه دولت سوریه شدند. آمریکا با کمک به ایجاد این گروه‌ها در صدد بود تا از تجربه عراق و افغانستان درس گرفته و با استفاده از پروکسی‌های خود وارد میدان شود. هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه اسبق آمریکا در این خصوص می‌گوید: «من به ۱۱۲ کشور جهان سفر کرده بودم و با برخی از دوستان این توافق حاصل شد تا به محض اعلام تاسیس داعش این گروه به رسمیت شناخته شود اما ناگهان همه چیز فروپاشید. توافق شده بود تا دولت اسلامی (داعش) در روز ۷/۵/۲۰۱۳ اعلام شود و ما منتظر اعلام تاسیس آن بودیم تا ما و اروپا هرچه سریع‌تر آن را به رسمیت بشناسیم.» تاسیس گروه‌هایی همچون داعش باعث شد تا منطقه به سمت پرتگاه هدایت شود. اما این بار موضوع با قبل تفاوت‌هایی داشت. کشورهای منطقه که عموماً در اقدامات قبلی آمریکا نقشی منفعلانه را پیش گرفته بودند در این شرایط خود به بازیگرانی فعال تبدیل شده بودند. محور مقاومت که متشکل از ایران، عراق، سوریه و حزب الله بود سعی در به دست‌گیری مناسبات امنیتی منطقه داشت.

منطقه خلیج فارس و شامات در نیم قرن گذشته همواره عرصه کشمکش میان قدرت‌های بزرگ بوده است. از این منطقه با عنوان چهارراه جهان یاد می‌کنند، غرب آسیا در جنگ سرد پس از اروپا و آسیا به سومین جبهه تبدیل شد. یکی از چالش‌های جمهوری اسلامی در تأمین امنیت ملی خود نیز حضور مستمر قدرت‌های بزرگ در منطقه است. قدرت‌هایی که زمین بازی را به دوست و دشمن تقسیم کرده‌اند

و کشورها لاجرم باید یکی از این دو نقش را انتخاب کنند. انتخاب هر نقش با مشکلات و مسائلی همراه خواهد بود. جمهوری اسلامی در تامین امنیت ملی خود با کشورهایی مواجه است که نه تنها به دنبال تامین منافع ملی خود هستند بلکه منافع قدرت‌های بزرگ نیز جهت گیری‌های آنها را به شدن تحت تاثیر قرار می‌دهد. در نتیجه ایران باید بتواند همگرایی در منطقه را در سطح قابل توجه‌ای افزایش دهد که منافع مشترک مانع از نفوذ ابرقدرت‌ها در روابط فی مابین گردد. این منافع مشترک می‌تواند اقتصادی، سیاسی، نظامی و یا فرهنگی باشد.

گسترش ناتو به شرق و حضور فعال آن در خلیج فارس در قالب «ابتکار همکاری استانبول» در سال ۲۰۰۴ نقطه عطفی در روند گسترش ناتو به شرق بود، درواقع همکاری چندجانبه ناتو با تمامی کشورهای عربی خلیج فارس، عراق، افغانستان، کشورهای آسیای میانه و حضور فعال کشورهای عضو این سازمان از جمله فرانسه و انگلیس در خلیج فارس ابعاد تاثیرگذاری ناتو بر امنیت ملی ایران را چند وجهی نموده است. از سوی دیگر آمریکا به عنوان مهمترین و بزرگترین بازیگر خارجی ناتو در منطقه است که با در اختیار داشتن بیش از ۱۴ پایگاه نظامی حضور به شدت بالایی در مناسبات امنیتی منطقه دارد.



جدول شماره ۴: عوامل مؤثر در سه سطح تحلیل در منطقه خلیج فارس



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

نتیجه گیری

پس از جنگ جهانی دوم جهانی شدن و امنیت بین الملل به عنوان اصلی ترین چارچوب برای تامین امنیت جهانی مطرح شد. تاسیس نهادهای بین المللی و در راس آن سازمان ملل متحد موید این ایده بود. اما آنچه در عمل اتفاق افتاد سلطه‌ی جهانی ابرقدرت‌ها بود. با سقوط شوروی و پایان جنگ سرد این ایده در میان کشورها پیدا شد که می‌توان امنیت را از طریق ظرفیت‌های منطقه‌ای تامین کرد، حضور ابرقدرت‌ها که عمدتاً تحت عنوان تامین امنیت مشروعیت پیدا کرده بود چیزی جز افزایش تنش و ناامنی در بر نداشت و کشورها به دنبال استفاده از ظرفیت‌های منطقه‌ای برای تامین امنیت ملی خود بودند.

ساختار بنیادین یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای از چهار مولفه تشکیل شده است. مرز، ساختار آنارشیک، قطبش و ساخت اجتماعی که همان الگوهای دوستی و دشمنی است. در منطقه امنیتی غرب آسیا هر یک از این مولفه‌ها تعیین کننده بخشی از وضعیت امنیتی هستند. امنیت اجتماعات بشری متشکل از پنج مولفه است. امنیت نظامی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی-فرهنگی و امنیت زیست محیطی. جمهوری اسلامی برای دست‌یافتن به امنیت پایدار ملی، باید تلاش کند در هر کدام از این حوزه‌ها شاخص‌های قدرت را دارا باشد. ظرفیت منطقه‌گرایی برای جمهوری اسلامی در هر کدام از این موضوعات موجود است و اساساً برخی از مسائل همچون مشکلات ناشی از تغییرات اقلیمی و گرد و غبار را جز از طریق مشارکت با همسایگان نمی‌توان حل کرد.

ما در این پژوهش به نقش و جایگاه منطقه‌گرایی در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی پرداختیم. امنیت ملی مسئله‌ای است در ابعاد گوناگون. ما در این مقاله به اهمیت و جایگاه هر یک از ابعاد امنیت ملی و نقش منطقه‌گرایی در تامین آن پرداختیم. ایران به خاطر جایگاه و موقعیت جغرافیایی که در آن قرار دارد نمی‌تواند امنیت خود را بدون توجه به شرایط منطقه تامین کند. لذا باید برای تامین امنیت ملی خود به دنبال منطقه‌ای امن و همگرا باشد. یک منطقه همگرای ناامن و یک منطقه واگرای امن هر دو به یک اندازه تهدید امنیت ملی محسوب می‌شوند. از طرفی هر چه حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای افزایش پیدا کند تهدید امنیتی نیز افزایش پیدا خواهد کرد و هرچه نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای کاهش پیدا کند هزینه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی کاهش پیدا خواهد کرد.



منابع و مآخذ

منابع فارسی

- آل اسحاق، یحیی، (۱۳۹۰)، «راهنمای راهبرد تجاری منطقه‌ای با رویکرد توسعه و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- احمد، اشتیاق، (۱۳۹۱)، «منطقه‌گرایی بر مبنای هویت اسلامی» در: هتته، بیوردن و دیگران، دیدگاه‌های کشورهای جنوب درباره منطقه‌گرایی نو، تهران: ترجمه طیب، علیرضا، اداره نشر وزارت امور خارجه.
- استوارت، رابرت، و فریزر، دریک، (۱۳۹۲)، «قدرت‌های منطقه‌ای و نظم‌های امنیتی»، تهران: ترجمه آقایی، سید داود، محمد شریفی، مجید، نشر دادگستر.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۲)، «منطقه‌گرایی نوین و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، مجله ژرفنا، شماره بیست و هفتم، صص ۲۷۹ - ۲۸۸.
- برچیل، اسکات و دیگران، (۱۳۹۳)، «نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: ترجمه مشیرزاده، حمیرا و طالبی، روح‌الله، میزان.
- بوزان، باری و ویوور، الی، (۱۳۸۸)، «مناطق و قدرت‌ها»، تهران: ترجمه رحمن قهرمانپور، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- _____، (۱۳۷۸)، «مردم، دولت‌ها و هراس»، تهران: ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ویلیامز، پائول، (۱۳۹۶)، «صلح بانان جهانی و منطقه‌ای» در: کیلر، مایلس و دیگران، نظم جهانی و منطقه‌گرایی جدید، تهران: ترجمه صباغیان، علی، جوادی، محمود، انتشارت خرسندی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال، (۱۳۹۳)، «نظریه‌های همگرایی منطقه‌ای و رژیم‌های بین‌المللی»، تهران: نشر مخاطب.
- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴)، «مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش»، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- عباسی، مجید، (۱۳۹۲)، «شورای همکاری خلیج فارس و مدیریت امنیت» در: کرچنر، امیل جی، و دیگران، سازمان‌های منطقه‌ای و مدیریت امنیت، تهران: ترجمه عباسی، مجید، ابرار معاصر تهران.
- عبدالله خانی، علی؛ (۱۳۸۵)، «عدالت و امنیت» علوم سیاسی - دانشگاه باقرالعلوم (ع)، بهار ۱۳۸۵ - شماره ۳۳، صص ۱۲۱ - ۱۳۲.
- عرب، حسین، (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر قدرت ملی کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با تاکید بر ایران در افق ۱۴۰۴»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۷۰، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۹۳-۳۲۷.
- علی بابایی، غلامرضا، (۱۳۷۲)، فرهنگ روابط بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- فاست، لوئیس (۱۳۸۶)، «اتحادها، همکاری و منطقه‌گرایی در خاورمیانه». در لوئیس فاست روابط بین‌المللی خاورمیانه، ترجمه زیر نظر احمد سلطانی نژاد، تهران: دفتر مطالعات سیاسی.
- کریپندورف، کلوس، (۱۳۹۷)، «تحلیل محتوا» (هوشنگ نانینی، مترجم)، تهران: نشر نی.
- لیک، دیوید ای، مورگان، پاتریک ام، (۱۳۸۱)، «نظم‌های منطقه‌ای؛ امنیت سازی در جهانی نوین»، تهران: ترجمه دهقانی فیروزآبادی، جلال، پژوهشکده مطالعات راهبردی.



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت ترانس‌الهام الاسلامی

۹۸

سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

- ماندل، رابرت، (۱۳۸۷)، «چهره متغیر امنیت ملی»، تهران: پژوهشگاه مطالعات راهبردی.

- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۲)، «اتحادیه اروپا از آغاز تا امروز»، نشر قومس: تهران.

- نورمحمدی، مرتضی و فصیحی دولتشاهی، محمدعارف، (۱۳۹۷)، «کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای در تحلیل

مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا»، رهیافت های سیاسی و بین المللی، زمستان، دوره ۲ شماره ۲: ۱۵۳-۱۸۹.

- وزیریان، امیرحسین، (۱۳۹۸)، «تحلیل سیاست رژیم پهلوی در منطقه خلیج فارس»، مجله علمی پژوهشی دانش

سیاسی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸،

صفحه ۲۷۱-۲۹۶.

منابع لاتین

- Barry Buzan, Ole W'ver, (2009), "Regions and Powers: The Structure of International Security", Cambridge University Press.

- Frank N. Trager and Frank L. Simonie, 'An introduction to the study of national security', in F. N. Trager and P. S. Kronenberg, National Security and American Society (Lawrence: University Press of Kansas, 1973).

- Kolodziej, Edward, (2005), "Security and International Relations", Cambridge: Cambridge University.

- Micheal H. H. Louw, National Security (Pretoria: ISS-University of Pretoria, 1978), the quote is from the introductory note titled 'The purpose of the symposium'.

- Ullman, 'Redefining security', International Security, 8:1 (1983); Joseph S. Nye Jr, 'The contribution of strategic studie: future challenges', Adelphi Papets, No. 235 (London: IISS, 1989).

پایگاه‌های اینترنتی

- <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3960>

- <https://www.isna.ir/news/96092714809/>

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۱۱۰۲۰۴

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

افتخاری، اصغر؛ انصاری بارده، رضا؛ حسنی، پیمان (۱۴۰۰)، «کاربست منطقه‌گرایی و نقش آن در تأمین امنیت

ملی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۲،

تابستان ۱۴۰۰، صص ۹۹-۷۷.

